

## واکاوی معیارهای تشخیص رشد و کمال عقل نوجوانان در سیاست جنایی قضایی ایران

سعید قائدی • دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
saeedghaedilaw@gmail.com

فرید محسنی • استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.  
mohseni@ujas.ac.ir

مرتضی راسته • دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.  
morteza.rasteh313@gmail.com

صمد چوبینه • دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
choobineh.samad@yahoo.com

## چکیده

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در راستای انطباق با آموزه‌های رایج فقهی و با الهام از اسناد بین‌المللی حقوق بشری، و متأثر از ملاحظات جرم‌شناختی، جایگاه ویژه‌ای به منظور افتراقی‌سازی الگوی پاسخ‌دهی ماهوی به رفتار ارتكابی نوجوانان در نظر گرفته است، که می‌توان به پیش‌بینی رشد و کمال عقل بالغ کمتر از هجده سال در جرایم مستوجب حد و قصاص در ماده ۹۱ این قانون اشاره کرد. قانون‌گذار ایرانی در این ماده، بر لزوم ایجاد پیوندی میان ارتكاب رفتار مجرمانه و شمول مجازات‌های حد و قصاص تحت عنوان «رشد کیفری» تأکید کرده است. با این همه، چگونگی تشخیص رشد و کمال عقل نوجوانان مطابق سیاست کیفری ایران مغفول مانده و نیازمند تعیین و تبیین معیارهای علمی و ارائه گزاره‌های راهنما است تا از تفسیرهای کلی و سلیقه‌ای که می‌تواند به صدور احکام متهاافت و ناهماهنگ بیانجامد و انسجام و اثربخشی سیاست جنایی را مختل سازد، احتراز شود. نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی، از یک‌سو به دنبال ارائه رهنمودهای عینی چگونگی احراز رشد کیفری متهم نوجوان است و از سوی دیگر، با واکاوی دقیق، نحوه و کیفیت استناد محاکم به این معیارها را پاسخ می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که معیارهایی همچون استعلام از مراجع ذی‌ربط (پزشکی قانونی، مراکز درمانی و بالینی و مراجع قضایی)، آزمودن، پرونده شخصیت، شهادت شهود، طراحی رفتار مجرمانه و نحوه ارتكاب آن، درک ماهیت و حرمت جرم ارتكابی و معاینه محل و تحقیقات محلی، رهنمودهایی است که کاربست موثر و فراگیر آن‌ها می‌تواند به تنوع برداشت‌ها و اتخاذ رویه‌های گوناگون، پیش‌بینی ناپذیر و تابع بخت و اقبال، خاتمه داده و کارآمدی سیاست جنایی را در موضع بحث حاضر رقم زند.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، سیاست جنایی قضایی، عقل، رشد، بلوغ.



مطالعات جرم‌شناختی نشان می‌دهد که نوجوانان با ارتکاب جرم، لزوماً به دنبال نقض هنجارهای اخلاقی و اجتماعی متبلور در قوانین کیفری نیستند، بلکه چه‌بسا با رفتار مجرمانه و یا منحرفانه در مقام بیان مشکلات عمیق شخصی، خانوادگی و اجتماعی هستند که موجب ناسازگاری آنان با جامعه شده است. بر این اساس از اواخر قرن نوزدهم به بعد، رویه‌ای در نظام‌های حقوقی به وجود آمد که نوجوانان معارض با قانون را از مجرمان بزرگسال جدا کرده و با این قشر، متفاوت از بزرگسالان رفتار می‌شود.<sup>۱</sup> در همین راستا، در حقوق ایران نیز از سال ۱۳۰۴ نظام عدالت افتراقی کودکان و نوجوانان معارض با قانون، در «قانون مجازات عمومی» تقنین شد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در راستای انطباق قانون با دیدگاه‌های رایج فقهی و با الهام از اسناد حقوق بشری،<sup>۲</sup> تحولات مهمی را در حوزه الگوی پاسخ‌دهی ماهوی به رفتار ارتكابی نوجوانان به وجود آورده است که از آن جمله می‌توان به پیش‌بینی رشد و کمال عقل<sup>۳</sup> بالغ کمتر از ۱۸ سال در جرایم موجب حد و قصاص طبق ماده ۹۱ اشاره نمود. این ماده مقرر می‌دارد: «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند». به این ترتیب، مقنن به ضرورت وجود پل ارتباطی میان ارتکاب رفتار مجرمانه و شمول مجازات‌های

۱. درواقع، وضع قوانین ماهوی و رفتار کیفری متفاوت در رابطه با کودکان و نوجوانان، نتیجه افتراقی شدن یا افتراقی‌سازی سیاست جنایی بر پایه معیار بزه‌کار (مرتکب) می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۰، ص. ۶۱-۶۰).

۲. یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی، پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که تاکنون تمام اعضای ملل متحد به‌جز ایالات متحده آمریکا این سند را تصویب کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این پیمان‌نامه پیوسته است. پیمان‌نامه حقوق کودک تأکید دارد که افراد زیر ۱۸ سال باید از حمایت‌های ویژه برخوردار شوند و نباید با آنان به‌عنوان بزرگسالان رفتار شود. طبق ماده ۳۷ این پیمان‌نامه، اعدام و مجازات‌های سنگین برای افراد زیر ۱۸ سال ممنوع است.

3. Growth and Perfection of intellect

حد و قصاص تحت عنوان رشد جزایی<sup>۱</sup> صحه گذاشته است (آبروشن، سایبانی، غلامی و رضوی فرد، ۱۴۰۰، ص. ۳۰۴).

احراز رشد و کمال عقل مقرر در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مستلزم بیان معیارهای علمی و گزاره‌های راهنما است تا تفسیرهای کلی و ذهنی موجب صدور احکام متهافت نگردد و انسجام و کارآمدی سیاست جنایی را برهم نزنند. در همین چارچوب، تبصره ماده ۹۱ قانون یاد شده بیان می‌دارد: «دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند». این تبصره نمی‌تواند ملاک روشنی جهت تشخیص رشد کیفری<sup>۲</sup> نوجوانان ارائه نماید. تمسک به معیارهای محدود و اغلب ذهنی برای احراز رشد و کمال عقل موجب گردیده که به‌منظور ایجاد رویه قضایی واحد، دستورالعمل «چگونگی تشخیص رشد و کمال عقل افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی» در سال ۱۴۰۲ تدوین و توسط رئیس قوه قضاییه به مراجع قضایی کشور ابلاغ گردد.<sup>۳</sup> با این حال اما هم تبصره ماده ۹۱ قانون مزبور و هم دستورالعمل پیش‌گفته، شاخصی جزء استفاده از ظرفیت کمیسیون پزشکی قانونی<sup>۴</sup> در احراز رشد و کمال عقل، تعیین نکرده است، همین امر به تنوع برداشت‌ها و اتخاذ رویه‌های گوناگون دامن زده و اجرای آن را پیش‌بینی ناپذیر، سلیقه‌ای و تابع بخت و اقبال کرده و موجب گردیده است که قضات به‌ویژه در دادگاه کیفری

۱. رشد جزایی، به خصیصه تکامل‌پذیری عقل مربوط می‌شود و فرایندی است که درجات مختلفی از رشد آناتومیک (رشد جسمی)، فیزیولوژیک (عملکرد زیستی) و شناختی (رشد تعقلی) مغز را تا سرحد بلوغ عقل دربرمی‌گیرد (Goswami, 2019, p. 523).<sup>۱</sup> بدین‌سان، در هر مرحله از فرایند رشد عقلی، شاهد درجه‌ای از رشد شناختی هستیم که در حالت متکامل خود به بلوغ عقل می‌رسد. این واژه در حقوق جزا به مقطعی از فرایند تکامل جسمی و عقلی انسان اطلاق می‌شود که از آن مقطع به بعد، شخص در برابر جرایم ارتكایی دارای مسئولیت کیفری و برخورد از اهلیت جزایی می‌گردد (میرسعیدی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۴).

## 2. Criminal Growth

۳. در صدر این دستورالعمل آمده است: «به منظور ایجاد رویه واحد در احراز رشد و کمال عقل افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، مشمول ماده (۹۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ «دستورالعمل چگونگی تشخیص رشد و کمال عقل افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی» به شرح مواد آن است».

#### 4. Forensic Science

یک ویژه نوجوانان<sup>۱</sup> یا محدود به نظریه این مرکز شده و بدون توجه به رهنمودهای دیگر، حکم مقتضی صادر کنند و یا اینکه با رد اظهارنظر مراکز پزشکی قانونی و در تعارضی آشکار با آن اقدام به صدور حکم بدون توجه به معیار دیگر نمایند.

باتوجه به فقدان ملاک آشکار به منظور کشف و اثبات رشد کیفری در نظام تقنینی و قضایی ایران، خوانش شایسته و بایسته منابع فقهی و اسناد حقوق بشری نمی‌تواند ابهام را مرتفع و برآیند مؤثری از چگونگی تشخیص ارائه نماید. با مراجعه به پژوهش‌های پیشین و مرتبط با ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در اندیشه حقوقی ایران،<sup>۲</sup> مستفاد می‌گردد که عموم تحقیقات انجام‌شده در مقام تبیین معنایی رشد و کمال عقل، جایگاه و مبانی آن و بررسی تطبیقی مقرر مذکور با آموزه‌های فقهی و اسناد بین‌المللی است و در مواردی به چالش‌های حقوقی ناظر بر این ماده پرداخته و ریشه‌یابی گردیده است. مطالعات انجام شده که عمدتاً دارای ماهیتی نظری بوده، خالی از پژوهشی جامع با هدفی کاربردی جهت استخراج معیارهای احراز رشد جزایی است.

بر این اساس، آنچه نوشتار فرارو را از متون مشابه متمایز ساخته و به خوانشی نوآورانه تبدیل کرده است، استخراج ملاک‌های عینی چگونگی تشخیص رشد و کمال عقل نوجوانان است. برای نیل به این هدف کاربردی با روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، کوشیده می‌شود تا این ملاک‌ها دسته‌بندی و تحلیل گردد. البته، نگارندگان به مناسبت و به دلیل آشنا نمودن خواننده با واقعیات موجود، از نمونه تصمیم‌های قضایی و پزشکی قانونی در دسترس به‌عنوان شاهد مثال استفاده کرده‌اند.

با این مقدمه، ساختار پژوهش این‌گونه خواهد بود که در بخش نخست، به تبیین رشد و کمال عقل کیفری نوجوان در سنج موازین حقوقی اختصاص دارد و در بخش دوم، رهنمودهای چگونگی احراز رشد و کمال عقل نوجوانان مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱. در این نوشتار منظور از دادگاه کیفری یک همان دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان است، زیرا در رویه عملی صرفاً چند قاضی از قضات دادگاه کیفری یک، رسیدگی به جرایم مرتبط با نوجوانان که در صلاحیت این دادگاه است را با ابلاغ ویژه رئیس قوه قضاییه، برعهده دارند.

۲. از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این رابطه صورت گرفته است، می‌توان به مقالات زیر اشاره نمود: احسانی، خلیل صالحی و قادی پاشا، ۱۳۹۹، صص. ۲۴۰-۲۱۱؛ فلاح خاریکی و حاجی‌تبار، ۱۴۰۲، صص. ۱۶۵-۱۴۰؛ حیدری، ۱۳۹۴، صص. ۱۱۴-۹۱؛ آبروشن، سایبانی، غلامی و رضوی فرد، ۱۴۰۰، صص. ۳۲۴-۳۰۳.

## ۱. رشد کیفری نوجوان در سنجۀ موازین حقوقی

مطالعات تصویربرداری عصبی نشان می‌دهند که کودکان در سنین نوجوانی در تمامی جوانب آناتومیک<sup>۱</sup> و فیزیولوژیک<sup>۲</sup> در «فرایند رشد عقلی» قرار دارند و مغز افراد حداقل تا سن ۱۸ سالگی به رشد کامل جسمی و کارکردی خود نخواهد رسید (Blakemore, 2012, p. 397). به همین دلیل امروزه اغلب نظام‌های حقوق کیفری، بر نظریه رد بلوغ کیفری کودک استوار بوده و مجازات اعدام<sup>۳</sup> را نسبت به جنایت‌گری اطفال و نوجوانان هرگز جایز نمی‌دانند (Regoli, 2012, p. 260).<sup>۴</sup> مواد ۳۴ الی ۳۶ قانون مجازات عمومی ایران ۱۳۵۲، با الهام از قوانین کیفری کشورهای اروپایی به‌ویژه قانون مجازات فرانسه (۱۳۸۰)، سن خاصی را که اماره غالبی جهت حصول رشد افراد جامعه است به‌عنوان سن بلوغ قانونی تعیین کرده بود.<sup>۵</sup> بعد از انقلاب اسلامی مسئله ضرورت وجود رشد جزایی در مسئولیت کیفری با چالش روبرو شد و پیش‌بینی مجازات سلب حیات برای نوجوانان در مقررات جزایی به موضوعی قابل‌اعتراض توسط مجامع بین‌المللی تبدیل شد. این در حالی بود که فقها از دیرباز شرط رشد را امری فراتر از بلوغ دانسته‌اند.<sup>۶</sup> قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ درصدد

1. Anatomical

2. Physiological

3. Capital punishment (Death penalty)

۴. برای نمونه، در قضیۀ راپر در سال ۲۰۰۵، دیوان عالی کشور آمریکا بر اساس یافته‌های نوین علوم اعصاب، با تأکید بر عدم بلوغ عقلی کودکان (عدم رشد و کمال عقل اطفال و نوجوانان) هرگونه اعدام افراد به سبب جرم ارتكابی در دوره کودکی (کمتر از ۱۸ سال) را مطلقاً مغایر با عدالت کیفری و احکام قانون اساسی اعلام نمود (Case of Roper v. Simmons, 2005). تا پیش‌ازین پرونده، دیوان عالی آمریکا با صدور رأی در قضیۀ استنفورد ۱۹۸۹، اصدار حکم اعدام برای جرایم ارتكابی کودکان در سن ۱۶ سالگی را تجویز نموده بود (Case of Stanford v. Kentucky, 1989).

۵. باتوجه‌به اینکه سرعت رشد و قوای جسمی و عقلی در افراد مختلف یکسان نیست، سیاست‌گذاران جنایی برای اجرای یکسان و هماهنگ مقررات جزایی ناگزیر به استفاده از ملاکی هستند که از یک سو سهل‌الوصول و برای همگان قابل‌فهم بوده و از سوی دیگر، بیشترین مطابقت را با درجه لازم از رشد ادراکی و جسمی داشته باشد. این ملاک و عامل، چیزی جز «سن» نیست؛ به این دلیل نظام‌های مختلف سن خاصی را به‌عنوان سن رشد یا سن قانونی یا سن کبر پیش‌بینی کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ص. ۲۹).

۶. بر اساس این دیدگاه، افزون بر بلوغ، شرط دیگری یعنی احراز رشد برای مسئولیت کیفری لازم شمرده شده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶/۱۰، ص. ۴۹۳). علامه حلی قصاص دختر نه ساله و پسر پانزده ساله را علاوه بر بلوغ به رشد مشروط نموده است (حلی، ۱۴۱۲، ص. ۳۱۹). همچنین از نظر ایشان در تحریر الاحکام، رشد قاتل شرط چهارم اعمال قصاص است (حلی، ۱۳۱۴/۲، ص. ۲۴۹). برخی از فقهای معاصر همچون بهجت، مدرس و مکارم نیز به این نتیجه رسیده‌اند که رشد را به‌عنوان شرطی مستقل در

انطباق مقررات داخلی با اسناد بین‌المللی برآمد و سیاست جنایی نسبتاً سنجیده‌ای را اتخاذ نمود و به‌موجب ماده ۹۱، ضرورت احراز رشد کیفری افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال را پذیرفته است. با این حال، دو رویکرد متفاوت را در جرایم تعزیری و جرایم مستوجب حد و قصاص اتخاذ نموده است. مقنن در پاسخ‌های تعزیرمدار، رویکرد حمایتی را برگزیده و با تعیین معیار «سن ۱۸ سال» فرض را بر عدم وجود رشد و کمال عقل قرار داده که امکان اثبات خلاف آن نیز وجود نخواهد داشت (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱، ص. ۵۹). اما در جرایم مستوجب حد و قصاص، با رسیدن به سن بلوغ شرعی و در صورت احراز رشد و کمال عقل، مسئولیت کیفری تام را مقرر نموده است. علاوه بر این، رویکرد قانون‌گذار در خصوص بار اثبات دعوا در شرط رشد و کمال عقل مورد تردید قرار دارد و مشخص نیست که قاضی دادگاه ملزم به احراز رشد کیفری خواهد بود یا اینکه اصل بر وجود آن است و مدعی در صورتی که ادعای عدم رشد و کمال عقل را داشته باشد، باید آن را در دادگاه اثبات نماید. دیدگاه‌های مختلف در این زمینه به شرح زیر است:

نخست- عده‌ای اصل یا فرض قانونی را بر عدم وجود رشد و کمال عقل می‌دانند (فلاح خاریکی و حاجی‌تبار، ۱۴۰۲، ص. ۱۴۰؛ ساداتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۴؛ شاکری و سلیمانی، ۱۳۹۸، صص. ۱۴۴-۱۴۳؛ عطرزاده و کلانتری، ۱۴۰۲، ص. ۵۱) و معتقدند که برای اعمال کیفرهای حد و قصاص باید رشد و کمال عقل در این افراد مشتبّه نباشد؛ به عبارتی، بر مبنای ماده ۹۱ قانون مزبور، اثبات قصاص یا عدم اجرای مجازات حدی افراد بالغ زیر ۱۸ سال منوط به عدم شبهه در رشد جزایی آنان است و تا اثبات آن، اصل استصحاب بر عدم درک و کمال عقل است.<sup>۱</sup> در همین راستا دیوان عالی کشور نیز در دادنامه شماره ۷۰۰۱۷۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۱ که در مقام رسیدگی فرجامی به رأی شعبه دوم دادگاه

---

کنار عقل و بلوغ برای مجازات‌ها شرط بدانند؛ چرا که در زمان بلوغ قوای عقلی انسان کامل نشده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۳؛ مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، پرسش ۶۷۳۵؛ معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۱، ص. ۳۵).

<sup>۱</sup> قانون‌گذار ایران به دلالت ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و باتوجه به رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۰۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در امور مالی احراز رشد را لازم دانسته است، با تنفیص مناط و به طریق اولی در امور کیفری به خصوص در جرائم با مجازات قانونی سنگین، باید رشد جزایی احراز شود هر چند به لحاظ اهمیت امور غیرمالی نیز امروزه از قیاس اولویت بر لزوم وجود رشد در امور غیرمالی نیز استفاده می‌شود (پوراسماعیلی و عابدی، ۱۳۹۸، صص. ۸۹-۶۸).

کیفری یک اصفهان بوده، خاطرنشان می‌سازد: «اصل بر عدم رشد آنان (بالغین زیر ۱۸ سال) بوده، مگر اینکه خلاف آن احراز گردد که در ما نحن فیه، رشد متهم احراز و اثبات نگردیده است»<sup>۱</sup>.

دوم- برخی بر این باورند که قانون‌گذار فرض را بر وجود رشد و کمال عقل گذاشته است؛ یعنی بار اثبات دلیل برعهده نوجوان است و پذیرش رویکرد مخالف قابل دفاع نیست، زیرا قراردادن اماره حقوقی باید مبتنی بر واقعیات عینی و مطالعات میدانی باشد؛ به این معنا که باید مشخص شود غالب افراد جامعه در چه سنینی به رشد کافی می‌رسند و سپس بر اساس آن اقدام به جعل اماره حقوقی شود (آقای‌نیا، ۱/۱۳۹۶، صص. ۲۲۱-۲۲۰؛ حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۱، ص. ۴۷۴؛ بیاتی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۶).<sup>۲</sup> این دیدگاه مورد تأیید برخی از قضات در نظام قضایی ایران نیز است و آنها در مقابل تعیین مجازات‌های جایگزین حد و قصاص، مقاومت نشان داده و اعتقادی به اعمال آن ندارند. برای نمونه، در دادنامه شماره ۶۰۰۱۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۱۰ شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان تهران، بر اساس اینکه «برای دادگاه از جهت رشد و کمال عقل متهم شبه‌ای ایجاد نگردیده»، بدون ارجاع امر به کمیسیون پزشکی قانونی، حکم به قصاص نفس فردی صادر شده که حین ارتکاب قتل ۱۶ ساله بوده است و شعبه هفتم دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۱۰۵۰۰۶۷۳ آن را ابرام کرده است.

رویکرد اخیر هر چند مطابق با نظر نگارندگان نخواهد بود؛ اما ظاهر ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی که می‌تواند بستری برای اعمال و ترویج خشونت قانونی علیه نوجوانان محسوب شود به گونه‌ای است که چنین ادعایی را تأیید می‌کند. با این‌همه، نکته‌ای که در رویکرد و آرای اخیر مغفول مانده آن است که ماده یادشده، اثبات جرایم مستوجب حد و قصاص از سوی افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال را مشروط به این قید اساسی می‌نماید که در رشد و کمال عقل آنان شبه‌ای وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، وجود رشد و کمال عقلی، از لوازم اثبات مسئولیت کیفری است و اگر این‌گونه نباشد و

<sup>۱</sup>. عالی‌ترین مرجع قضایی در پرونده مشابه دیگری مقرر داشته است: «باتوجه به محتویات پرونده و تحقیقات انجام‌شده و اینکه متهم نوجوان بوده و قضات صادرکننده رأی با استناد به عدم احراز رشد عقلی متهم، وی را مشمول ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی دانسته‌اند و از سوی اولیای‌دم نیز دلیل قاطعی که موجب نقض رأی گردد، ابراز و اقامه نگردیده است؛ لذا عدم استحقاق قصاص نفس، مطابق موازین تشخیص و دادنامه فرجام خواسته شماره ۰۰۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۸ تأیید می‌گردد».

<sup>۲</sup>. نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، این دیدگاه را تأیید می‌نماید.



آنچه وضعیت موجود یعنی وجود دیدگاه‌های مختلف میان قضات را رقم زده است، استفاده از معیارهای ذهنی یا حداقلی بدون تمسک به گزاره‌های عینی و جامع به‌منظور تشخیص رشد کیفری افراد بالغ زیر ۱۸ سال است. عمده این دوگانگی که پیش‌بینی ناپذیر و غیرقابل کنترل بوده، ناشی از رویکرد قانونگذار در نحوه تقنین ماده ۹۱ به‌ویژه تبصره آن با عبارت «می‌تواند» است و مفاد دستورالعمل چگونگی تشخیص رشد و کمال عقل افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی که با هدف ایجاد رویه منسجم و یکپارچه، گردآوری و ابلاغ شده است، به جهت عدم اشاره به معیار راهنما، جز بهره‌گیری از اظهارنظر کمیسیون پزشکی قانونی (به‌عنوان معیاری حداقلی)، بر دامنه اختلافات موجود نکاهیده است.

## ۲. رهنمودهای چگونگی احراز رشد و کمال عقل کیفری نوجوانان

دسته‌بندی و تحلیل معیارهای مختلف به‌عنوان نقشه راه به‌منظور احراز رشد کیفری ضروری است و هدف آن است که با شناخت این گزاره‌ها، رشد یا عدم رشد عقلانی متهم نوجوان اثبات و بر اساس آن، حکم مقتضی صادر شود. در همین چارچوب طبق ماده ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری، گذراندن دوره‌های آموزشی توسط قضات دادگاه اطفال و نوجوانان و بهره‌گیری از رهنمودهای مطرح‌شده در این زمینه، آنان را در استفاده دقیق از معیارهای مختلف جهت تشخیص رشد و کمال عقل یا فقدان آن یاری می‌دهد. پیش از آغاز این بخش، ذکر چند نکته ضروری و لازمه ورود به مباحث آتی است:

نخست- انتخاب هر معیار باید با این هدف باشد که تشخیص درست از آن استخراج شود و راه‌کار صحیحی برای مقام قضایی در رشد و کمال عقل یا عدم آن نسبت به فرد خاصی باشد. برای اینکه یک معیار اعم از شناختی، ارادی یا عرفی، در حد یک معیار و ضابطه ظاهر شود باید از شاخص‌هایی پیروی کند. این شاخص‌ها عبارت است از: میزان حساسیت و دقت معیار،<sup>۱</sup> شفافیت و وضوح معیار،<sup>۲</sup> قابلیت اعمال و اجرا<sup>۳</sup> و انطباق با اصول اخلاقی یا اصل مقبولیت<sup>۴</sup> (هادی، ۱۴۰۳، صص. ۷۹-۸۰).

---

1. Sensitivity of the test  
2. Specificity of the test  
3. Applicability  
4. Validity



چهارم- اگرچه احراز رشد جزایی طبق ماده ۹۱ از تکالیف دادگاه محسوب می‌شود، اما این مقامات دادسرا به‌ویژه بازپرسان هستند که با انجام تحقیقات معمول و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، زمینه را برای بررسی دقیق شرط رشد و کمال عقل توسط دادگاه فراهم می‌کنند. بدون تبیین مآووقع که اغلب نیازمند فوریت در اقدام و موشکافی در تحقیقات است، نمی‌توان رشد جزایی را به‌خوبی اثبات کرد. به‌طور مثال، استعمال مشروبات الکلی توسط نوجوان و ارتکاب قتل متعاقب آن، می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر در تشخیص عدم رشد و کمال عقل در زمان وقوع جرم تلقی گردد. در این فرض، نقش بازپرس در مراحل اولیه، از جنبه‌ای کلیدی برخوردار است؛ چرا که نحوه تحقیقات و ارزیابی‌های اولیه او می‌تواند تأثیر بسزایی در چگونگی وضعیت روانی نوجوان داشته باشد. همچنین، معرفی متهم به پزشکی قانونی در لحظات ابتدایی پس از دستگیری، زمینه‌ساز تحلیل دقیق‌تری از شرایط و وضعیت عقلانی وی خواهد بود.

پنجم- باید میان مواد ۹۱ و ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قائل به تفکیک شد، زیرا این دو مقرر در مقام تمایز بین جنون و شبهه در رشد جزایی هستند و نمی‌توان متهم فاقد رشد و کمال عقل را به‌طور کلی دچار اختلال روانی به‌عنوان یکی از موانع مسئولیت کیفری دانست. به عبارتی، ممکن است که شخص حین ارتکاب جرم حدی یا جنایت مستوجب قصاص دارای قوه تمییز و اراده باشد اما از رشد جزایی برخوردار نباشد؛ چنان‌که وجود اختلال روانی نسبی لزوماً به معنای عدم احراز رشد شناختی و روانی نیست. این موضوع در شعب بازپرسی ویژه قتل عمد برای متهمان بالغ کمتر از ۱۸ سال در هنگام استعمال از پزشکی قانونی مورد توجه قرار می‌گیرد و کمیسیون نیز به لحاظ مفاهیم پزشکی و علمی این دو، آنها را مجزا دانسته و بر همین اساس اظهارنظر می‌نماید. برای نمونه، در استعمال شماره ۱۴۰۲۱۲۹۹۰۰۳۵۹۵۳۵۲۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ شعبه هشتم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شیراز چنین آمده است: «متهم به اتهام مباشرت در قتل عمدی در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۱ به حضور معرفی می‌شود. نامبرده دارای بلوغ و کمتر از ۱۸ سال سن است. وضعیت روحی و سلامت قوه تمییز و اراده ایشان حین ارتکاب قتل و زمان معاینه (هر دو) مشخص و نتیجه را اعلام فرمایید. همچنین با توجه به اینکه متهم کمتر از ۱۸ سال می‌باشد، در خصوص رشد و کمال عقل وی نیز اظهارنظر گردد». کمیسیون پزشکی قانونی نیز مقرر کرده است: «در حال حاضر علائمی از



دستورالعمل، مقام قضایی را مکلف کرده که چنانچه به طریقی غیر از پزشکی قانونی برای رفع شبهه اقدام نموده باشد، مراتب را در پرونده درج نماید. اکنون این پرسش اساسی مطرح می‌گردد که چنانچه مرجع قضایی نظر پزشکی قانونی را اخذ کرد، آیا دادرس تکلیف دیگری ندارد؟ آنچه از ظاهر ماده ۲ دستورالعمل اخیر مستفاد می‌شود تأکید بیش از حد بر نظریه کمیسیون پزشکی قانونی و فقدان ضرورت اقدام دیگر است. به نظر می‌رسد اعتماد به ظاهر این ماده جایز نیست، زیرا از یک سو، چنانچه از این حیث به آن اعتبار بخشیم، با تبصره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در تعارض است. از سوی دیگر، امروزه اظهار نظر کمیسیون پزشکی قانونی، غیر مستند و با ایرادات متعدد همراه است که در این باره می‌توان به دادنامه شماره ۱۴۰۲۰۶۳۰۰۰۷۸۱۵۶۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۹ شعبه چهل و هشتم دیوان عالی کشور توجه نمود که خاطر نشان می‌سازد: «در متن نظریه کمیسیون پزشکی قانونی قید شده که طبق شرح حال اخذ شده، در زمان ارتکاب بزه از رشد و کمال عقلانی برخوردار نبوده است، حال آنکه صرف اخذ شرح حال دلیل نمی‌باشد و چه بسا شرح حال از خود متهم اخذ شده باشد که می‌تواند خلاف واقع باشد. از طرفی محتویات پرونده و ادله موجود نیز با نظریه پزشکان قانونی مغایرت دارد...». بنابراین، در صورتی که تشخیص رشد و کمال عقل نیازمند تحقیقات گسترده با اخذ استعلام از منابع متنوع است، نه تنها تحصیل نظر پزشکی قانونی که استعلام از سایر مراجع مرتبط امری الزامی بوده که در این مبحث به آن پرداخته می‌شود.

#### ۱.۱.۲. پزشکی قانونی

در نظام عدالت کیفری ایران، معمول‌ترین روش برای تشخیص رشد و کمال عقل جزایی متهمان نوجوان، استفاده از نظر کمیسیون پزشکی قانونی است. این استعلام به دلیل ماهیت موضوع و ارتباط آن با مفاهیم پیچیده ذهنی و پزشکی انجام می‌شود. بی‌تردید، نظر کارشناسان روان پزشکی در تصمیم‌گیری صحیح و جلوگیری از اشتباهات قضایی، نقشی اساسی دارد. ماده ۲ دستورالعمل مزبور تصریح می‌دارد: «در صورت توجه اتهام به فرد بالغ کمتر از ۱۹ سال، موضوع جرائم ماده (۹۱) قانون، چنانچه به تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، رفع شبهه در رشد و کمال عقل وی مستلزم استعلام از پزشکی قانونی باشد، وی می‌تواند ضمن معرفی مرتکب به کمیسیون و اعلام تاریخ وقوع جرم گزارشی از پرونده و

تصویر اوراقی از آن که مؤثر در تشخیص رشد و کمال عقل وی باشد را جهت نظر کمیسیون به پزشکی قانونی ارسال نماید».

با اینکه ارجاع به پزشکی قانونی به دلیل فنی و تخصصی بودن موضوع و پیوستگی تنگاتنگ آن با فاکتورهای اپیدمیولوژیک<sup>۱</sup> (به رغم نص یادشده که با عبارت «می تواند» آن را اختیاری دانسته)، در عمل امری ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ با این حال، نباید پنداشت که اظهار نظر این کمیسیون همواره مستدل و بدون نقص است. در موارد متعدد، دیدگاه کمیسیون با محتویات پرونده و حتی اظهار نظر کمیسیون های بعدی همخوانی ندارد و گاه نیز بر پیچیدگی موضوع می افزاید. در مواردی آزمون استاندارد، قابل اتکاء و همگام با سیستم های بین المللی برای تعیین رشد در دسترس نیست (باقری، عالی پور، و فضل، ۱۴۰۲، ص. ۲۰۶) و ممکن است گرایش های ذهنی روان پزشکان شاغل در سازمان پزشکی قانونی کشور در روند مصاحبه و معاینه تأثیر داشته باشد (هاشمی، توحیدی، و لطفی، ۱۳۹۶، ص. ۲۳۰). به همین دلیل دستورالعمل پیش گفته با هدف کار بست گزاره های عینی توسط این مراکز، از یک سو، در ماده ۳ آنها را مکلف نموده است که «... به طور مستدل، مستند، صریح و مشتمل بر خلاصه نتایج حاصل از بررسی های به عمل آمده...»، ارائه نظر نمایند، از سوی دیگر، در راستای اعمال نظارت مرجع قضایی بر نظریه های غیر علمی و فاقد پشتوانه این مرکز، در ماده ۴ آورده است: «مقام قضایی در صورت نیاز می تواند پرونده بالینی مرتکب را از... پزشکی قانونی مطالبه نماید».

ذکر نکاتی در رابطه با معیار پزشکی قانونی در تشخیص رشد کیفری متهمان نوجوان ضروری است:

نخست- ممکن است تصور شود رشد و کمال عقل در امور کیفری و مقرر در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با آنچه در علم پزشکی و مراکز پزشکی قانونی مطرح می شود، تفاوت مفهومی دارد؛ اما باید توجه نمود که اولاً، با وجود برخی تفاوت های شکلی این مفهوم در دو دانش مذکور، به طور ماهوی تقریباً یک معنا افاده می شود: توان شناختی تمیز مقولات هنجاری در وضعیت های عینی؛ ثانیاً، حقوق در تبیین برخی مفاهیم خود که ماهیتاً یافته های علوم دیگر را اقتضا می کند ناگزیر از تمسک به رویکرد میان رشته ای است. ثالثاً، در چنین مطالعات میان رشته ای هدف این نیست که میان مفاهیم مشترک خلط معنایی شود بلکه توسل حقوق به علوم دیگر تنها برای این است که به حقیقت

---

1. Epidemiological

یک مفهوم حقوقی بیشتر نزدیک شده و از دستاوردهای علمی مختلف برای تبیین دقیق‌تر آن یاری جوید. نمی‌توان به مفهوم عقل صرفاً با عینک حقوقی نگریست؛ این‌گونه مفاهیم در ماهیت خود به مفاهیم معادل در علوم دیگر از برخی جهات گره خورده‌اند و گستره معنایی آنها در بستر نظریه‌ها و گزاره‌های علوم مختلف جای دارد (پتفت و عباسی، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۴). به همین دلیل، در تبصره ماده یادشده و ماده ۲ دستورالعمل چگونگی تشخیص رشد و کمال عقل افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی مصوب ۱۴۰۲، اخذ نظریه پزشکی قانونی به عنوان تنها معیار رشد و کمال عقل متذکرشده در این مقررات معرفی شده و تبیین چنین کیفیتی از سوی این مرجع، مستلزم تعمق میان‌رشته‌ای است. در رویه قضایی نیز بیان کمیسیون‌های پزشکی قانونی گاهی به لحاظ شکلی متفاوت بوده، اما در اصل آن را معادل مفهوم رشد و کمال عقلانی دانسته و حتی بدان اشاره می‌نمایند. به‌طور مثال در نظریه شماره ۱۴۰۳۲۳۹۹۰۰۰۰۱۵۹۷۴۹ کمیسیون نه نفره پزشکی قانونی استان تهران مقرر شده است: «از نظر کارشناسان حاضر در هیئت، رشد شناختی و روانی متهم (معادل مفهوم قضایی رشد و کمال عقلی) در زمان وقوع جرم احراز نشد».

دوم- بر اساس دستورالعمل مذکور، برای نوجوانان بایستی کمیسیونی متشکل از روان‌پزشکان قانونی تشکیل شود. بدین ترتیب، اظهارنظر اولیه یک روان‌پزشک کافی نیست. این الزام از یک سو، به دلیل اهمیت شخصیت متهمان و از سوی دیگر، به جهت نوع کیفرهای احتمالی -یعنی حد و قصاص- است؛ بنابراین، برخلاف رویه معمول که در آن ابتدا نظر کارشناس واحد اخذ و سپس موضوع به کمیسیون ارجاع می‌شود، برای این‌گونه متهمان در صورت ارتکاب جرایم یادشده، ارجاع مستقیم به کمیسیون الزامی است.

سوم- برای بررسی دوباره رشد و کمال عقل متهم نوجوان، مرجع قضایی نباید محصور به ماده ۱۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۱</sup> شود و ضرورت دارد از ظرفیت دیگر روان‌پزشکان قانونی، به‌ویژه در خارج از حوزه یک استان (به‌قصد جلوگیری از ایجاد شائبه)، بهره گیرد. بنابراین، صدور رأی در پرونده شماره ۱۴۰۰۱۲۹۲۰۰۰۲۸۵۷۶۷ شعبه اول دادگاه کیفری یک استان فارس<sup>۲</sup> توسط اکثریت

۱. «هرگاه نظریه کارشناس به نظر بازپرس، محل تردید باشد یا در صورت تعدد کارشناسان، بین نظر آنان اختلاف باشد، بازپرس می‌تواند تا دو بار دیگر از سایر کارشناسان دعوت به عمل آورد...».

۲. دادنامه شماره ۱۴۰۰۱۲۳۹۰۰۰۷۸۴۱۴۷۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۳۰.

اعضا، آن هم زمانی که ولی دم به عدم رشد و کمال عقل نوجوان معترض بوده و دیدگاه اقلیت اعضا شعبه نیز بر ارجاع به کمیسیون پنج نفره بوده، ناپسندیده است.<sup>۱</sup>

چهارم- استعلام باید روشن و صریح باشد و مقام قضایی نباید تحت تأثیر سایر قیود مندرج در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی قرار گیرد. توضیح اینکه، مقنن در این ماده به شروط «عدم درک ماهیت جرم» و «عدم درک حرمت جرم» نیز خاطرنشان ساخته که از «شبهه در رشد و کمال عقل» متمایز هستند. بنابراین، ناگفته پیداست اشاره واحد روان پزشکی قانونی استان تهران در نظریه شماره ۱۴۰۳۴۳۹۹۰۰۲۵۴۷۰۴۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۲ خطاب به شعبه استعلام کننده با عبارت «در خصوص قسمت دوم پرسش آن مرجع، بررسی قابلیت درک حرمت و ماهیت جرم توسط متهم، خارج از صلاحیت پزشکی قانونی است» صحیح است؛ زیرا این مرجع باید در چهارچوب وظیفه قانونی و در راستای مفاهیم پزشکی به بررسی و اظهارنظر راجع به موضوع بپردازد.<sup>۲</sup> از این رو، ماده ۲ دستورالعمل مذکور، در راستای محدود و منحصر کردن استعلام‌های گسترده در خصوص ماده ۹۱ که مرتبط با وظایف پزشکی قانونی نیست، مقرر می‌دارد: «قاضی رسیدگی کننده در خصوص درک مرتکب نسبت به ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن در زمان ارتکاب جرم، تحقیقات لازم را به عمل می‌آورد». بدین سان، تشخیص چگونگی ادراک فرد از «ماهیت رفتار انجام شده» دارای ماهیت قضایی و به عهده قاضی است (طهماسبی، پتفت، و زمانی، ۱۴۰۳، ص. ۶۲).

پنجم- ارائه شرح حال از سوی متهم نوجوان برای رد رشد و کمال عقل او کافی نیست و کمیسیون پزشکی قانونی باید نسبت به تشکیل پرونده بالینی<sup>۳</sup> و انجام معاینات و آزمایش‌های متنوع و ارزیابی دقیق آنها اقدام نموده<sup>۴</sup> و مستندات مرتبط اعم از شرح معاینه، مصاحبه روان پزشکی و نتایج آزمایش‌های مورد نیاز روان شناختی، جمع‌آوری و در کمیسیون مطرح نماید. سپس در برابر مرجع

۱. رأی اکثریت به موجب دادنامه شماره ۸۸۶۲-۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۷ شعبه چهارم و نهم دیوان عالی کشور ابرام شده است.

۲. ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور: «درخواست‌ها و دستورات مراجع ذیصلاح قضائی به سازمان پزشکی قانونی کشور و واحدهای تابعه آن بایستی در چهارچوب وظایف قانونی سازمان، روشن و صریح... باشد».

3. Clinical File

۴. در رویه قضایی آمریکا برای ارزیابی مسئولیت کیفری کودک در یک دادرسی افتراقی، از آزمون استانداردهای متکامل شایستگی عمل، استفاده می‌شود که مقولات چهارگانه کنترل تکانه، انگیزه پاداش، پاسخ احساسی و درک کودک از خود و دیگران برای سنجش رشد عقلی (از حیث شناختی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (Luna, Padmanabhan & O'Hearn, 2010, p. 101).  
; Geier, 2009, p. 212 ; Casey et al, 2010: 225 ; Chein et al, 2011, p. 1.

استعلام گیرنده نسبت به نظر ارائه شده پاسخگو باشد و در صورت نیاز مرجع قضایی به پرونده بالینی، آن را ارائه نماید. بدین ترتیب نمی توان پاسخ شماره ۱۵۹۷۴۹۰۰۰۱۴۰۳۲۳۹۹۰۰۰ کمیسیون نه نفره پزشکی قانونی استان تهران که بازگشت به نامه شماره ۱۴۰۲۱۲۹۹۰۰۳۹۳۶۳۱۹۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان فارس مقرر داشته است: «متهم چهار نوبت در کمیسیون های پزشکی قانونی استان فارس و تهران مورد ارزیابی و مصاحبه روان پزشکی قرار گرفته است. این مصاحبه ها به صورت ساختاریافته و بر اساس اصول تشخیصی استاندارد شامل ارزیابی قابلیت ها و مهارت های روان شناختی از جمله هوش، تفکر انتزاعی، قدرت تصمیم گیری، مهارت حل مسئله، اولویت بندی اقدامات کنترل هیجانات و... است و از نظر کارشناسان حاضر در هیئت های کمیسیون هایی که برای وی تشکیل شده که شامل ۲۴ تن (کارشناس) است رشد شناختی و روانی وی (معادل مفهوم قضایی رشد و کمال عقلی) در زمان وقوع جرم احراز نشد»، را پذیرفت؛ زیرا آنچه درخواست شعبه استعلام کننده به موجب ماده ۴ دستورالعمل چگونگی تشخیص رشد و کمال عقل افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی بوده، پرونده بالینی متهم است نه ارائه خلاصه اقداماتی که انجام شده است. عدم ارائه پرونده بالینی پیامدهای منفی حقوقی را در پی داشته و موجب صدور حکم به قصاص متهم نوجوان توسط یکی از اعضا شعبه مذکور گردیده است (رأی اقلیت)، در یکی از بندهای استدلال این مقام قضایی در دادنامه شماره ۱۴۰۳۱۲۳۹۰۰۰۲۷۱۴۰۶۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ چنین آمده است: «صرف نظر از آنکه نظریه کمیسیون پزشکی طریقت دارد، نظریه کارشناس پزشکی قانونی باید مستدل، مستند و صریح باشد که در مانحن فیه، نظریه کمیسیون های پزشکی قانونی از جمله نظریه هیئت نه نفره مضبوط در صفحه ۷۰۳ پرونده، کلی و بدون ذکر مبنای علمی و ارائه نتایج حاصل از بررسی های به عمل آمده، عنوان شده است».

ششم - نکته تکمیل کننده بند اخیر آن است که اگرچه استخراج نظریه کمیسیون پزشکی قانونی در وضعیت کنونی اجتناب ناپذیر است؛ اما مقام قضایی می تواند آن را به طور موجه و مدلل رد کند، این اقدام در صورت بهره گیری از «تمامی معیارها و اصول راهنمای جایگزین» برای تشخیص رشد جزایی مقدور است و در صورت عدم وجود معیار دقیق و عینی دیگر، نمی توان قائل به رد نظریه کمیسیون پزشکی و فقدان مبنای آن حتی در صورت عدم ارائه مستندات و پرونده بالینی متهم شد، زیرا ممکن است نظریات کمیسیون از نظر مقام رسیدگی کننده که از زاویه قضایی بدان می نگرد فاقد مبنا باشد؛ اما

از نظر روان‌پزشکان، دارای مبنای علمی مستحکم است. از این رو، نظریه اقلیت اعضا در رأی مذکور در فرض نبود معیار موجه دیگر، قابل دفاع نیست<sup>۱</sup> و دیدگاه اکثریت با این استدلال که: «باتوجه به اینکه حسب نظریه‌های متعدد کمیسیون‌های مختلف پزشکی قانونی متهم از رشد و کمال عقلی برخوردار نبوده و دفاع اولیای دم و وکلای ایشان نیز در این راستا منتهی به احراز رشد و کمال عقلی متهم نگردیده است، در این خصوص برای اکثریت اعضای دادگاه شبهه وجود دارد...» شایسته توجه است.

هفتم - گاهی زمان ارتکاب جرم مستوجب حد و قصاص با زمان دستگیری متفاوت است و دستیابی به متهم سال‌ها به طول می‌انجامد. در این موارد به جهت تغییرات شخصیتی و رشد روانی، اظهارنظر واحد روان‌پزشکی قانونی پیرامون تشخیص رشد جزایی با صعوبت همراه می‌گردد؛ زیرا مصاحبه و معاینه مستقیم نمی‌تواند برآیند کاملی از رشد عقلانی متهم در زمان وقوع جرم ارائه دهد.<sup>۲</sup> در این فرض اخذ پرونده کیفری برای اشراف بر نحوه و کیفیت وقوع جرم، تحقیق از هم‌سالان، بستگان و مربیان آموزشی و تربیتی به‌عنوان راهی برای تکمیل شواهد نقش بسزایی دارد. عدم احراز رشد و کمال عقل متهم در زمان معاینه، بیانگر فقدان آن در زمان قبل یعنی وقوع جرم است، مگر به علل قانونی خلاف آن ثابت شود (طهماسبی، پتفت، و زمانی، ۱۴۰۳، ص. ۶۱).

هشتم - ارسال نسخه‌ای از پرونده کیفری به‌ویژه برخی از تحقیقات همانند صورت جلسه بازسازی صحنه قتل عمد می‌تواند کمیسیون پزشکی قانونی را در اتخاذ تصمیم صحیح، یاری دهد. چنان‌که ارسال شرح حال خانوادگی و پرونده شخصیت متهم می‌تواند در ارزیابی رشد شناختی و روانی او مؤثر باشد. بند اخیر ماده ۲ دستورالعمل فوق مقرر می‌دارد: «وی (قاضی رسیدگی‌کننده) می‌تواند ضمن معرفی مرتکب به کمیسیون و اعلام تاریخ وقوع جرم، گزارشی از پرونده و تصویر اوراقی از آن که

۱. نمونه مشابه آن پرونده موسوم به ستایش است که با وجود شواهدی مبنی بر وجود اختلال رفتاری متهم نوجوان آن (۱۶ ساله)، به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۵۵۰۰۱۵۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۳۱ دادگاه کیفری یک تهران به اعدام، قصاص نفس، شلاق تعزیری و پرداخت دیه محکوم گردید. این در حالی است که نشانه‌هایی از اختلال سلوک در این نوجوان وجود داشت (پتفت، ۱۴۰۱، ص. ۱۲۱). برای مطالعه شرح تفصیلی و نقد این پرونده رک: (فرحبخش، ۱۳۹۵، صص. ۵۵-۴۱).

۲. چنان‌که شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور در خصوص درخواست اعاده دادرسی نسبت به دادنامه شماره ۷۳-۱۳۹۱/۰۵/۱۷ در باب عدم امکان اعمال ماده ۹۱ به این امر اشاره می‌کند که به خاطر گذشت چند سال از وقوع جرم، امکان تشخیص عدم درک متهم، ممکن نیست.

مؤثر در تشخیص رشد و کمال عقل وی باشد را جهت اخذ نظر کمیسیون به پزشکی قانونی ارسال نماید»<sup>۱</sup>.

نهم- در صورتی که اعضای کمیسیون در خصوص رشد و کمال عقل نوجوان به اتفاق نظر نرسند، با ذکر تعداد آرای موافق و مخالف، نظر اکثریت حاضر به عنوان گزارش نهایی به مقام قضایی ارائه می شود. با این حال، با توجه به موضوعیت شبهه به شرح مقرر در ماده ۹۱ و تأثیر اختلاف نظر متخصصان در تصمیم سازی قضایی، نظر اقلیت نیز در گزارش ذکر و به مرجع قضایی ارسال خواهد شد. به عقیده نگارندگان چنانچه میان کمیسیون های پزشکی قانونی اتفاق نظر نباشد، این اختلاف به ویژه در صورت نبود معیار راهنمای دیگر، از مصادیق شبهه است و نمی توان حکم به قصاص یا اجرای حد بر مرتکب صادر کرد. شعبه سی و نهم دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۵۲۹۳۰۲/۱۴۰۰۶۳۹۰۰۰۰۵ بر همین نظر است و مقرر می دارد: «در این پرونده کمیسیون های ۳ و ۵ نفره نظر بر عدم رشد متهم داده اند لکن کمیسیون ۷ نفره مستقر در تهران وی را واجد کمال عقلی اعلام نموده است، با استناد به... دادنامه فرجام خواسته نقض شده تا بار دیگر موضوع به کمیسیون ارجاع و سپس دادگاه حکم مناسب صادر نماید».

## ۲.۱.۲. مراکز درمانی و بالینی

با توجه به اینکه به موجب ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، شرط اعمال مجازات های مشمول این ماده علاوه بر «بلوغ»، وجود «رشد و کمال عقل» در افراد نوجوان است و در تشخیص حالت شناختی، بررسی سوابق فرد در مراکز بالینی و درمانی از اهمیت جدی برخوردار است؛ لذا به محض وقوع جرم یا اطلاع از آن، مقام قضایی در اولین فرصت می تواند با استعلام قضایی بدین سوابق دسترسی یابد. دستیابی به سوابق بالینی برای مقام قضایی جهت شناخت شایسته ابعاد جسمی و روحی فرد مفید است، همان گونه که ارسال این سوابق به پزشکی قانونی برای بررسی رشد کیفری توسط متخصصان سودمند

---

۱. گاهی کمیسیون پزشکی قانونی رسماً پرونده کیفری را مطالبه می نماید و حتی اخذ و بررسی محتوای آن را در نظریه خویش می آورد. برای نمونه، در مکاتبه شماره ۱۴۰۱۴۳۹۹۰۰۰۳۴۴۳۱۰۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۲ اداره کمیسیون های پزشکی قانونی فارس خطاب به شعبه هشتم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شیراز آمده است: «از نامبرده معاینه شد. پرونده کیفری بررسی گردید. وی در زمان ارتکاب جرم از رشد و کمال عقلانی برخوردار نبوده است».

خواهد بود. این سوابق برای مددکار اجتماعی<sup>۱</sup> که به موجب ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام به تشکیل پرونده شخصیت<sup>۲</sup> می‌نماید نیز اهمیت بسزایی دارد.

شبهه مقرر در ماده مذکور، معطوف به تشخیص مقام قضایی در وجود یا فقدان رشد و کمال عقل مورد نیاز برای تحقق مسئولیت کیفری کامل در جرایم موضوع آن ماده است؛ بنابراین، این امر مانع از تمسک به سوابق بالینی و درمانی به‌رغم اظهارنظر پزشکی قانونی مبنی بر رشد کیفری در نوجوان، نمی‌باشد. زیرا ماده ۹۱ با اندراج شرایطی، ادبیاتی قابل تفسیر و از لحاظ خبروی نظری بوده و قطعاً می‌تواند بستری عملی فراهم سازد تا برای افرادی که زیر سن ۱۸ سال مرتکب جنایت عمدی می‌شوند، عدم رشد و کمال عقل را ثابت نمایند (نجفی توانا، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۳). به‌عنوان مثال، ممکن است نوجوان سال‌ها در بیمارستان روانی بستری بوده و یا سابقه خودکشی ناموفق چندباره داشته است و پزشکی قانونی، سوابق بالینی را اخذ ننموده و یا اینکه با بررسی آن همچنان اصرار بر کمال عقلانی نوجوان دارد؛ در این موارد، امکان اتخاذ تصمیم قضایی برخلاف نظر پزشکی قانونی و با دعوت و تحقیق از پزشکانی که بر فرایند درمان سابق متهم نظارت داشته‌اند، وجود دارد. باوجود این، در رویه قضایی به چنین معیاری توجه شایسته نشده است. در مواردی متهم، ولی<sup>۳</sup> و یا وکیل او درخواست اخذ پرونده بالینی از مراکز درمانی می‌نمایند که با مخالفت مقام قضایی با این توجیه روبرو شده که اخذ استعلام از وظایف پزشکی قانونی است، حال آنکه تشخیص قطعی رشد جزایی یا عدم آن بر عهده قاضی رسیدگی‌کننده است. به‌عنوان شاهد مثال می‌توان به دادنامه شعبه سی و دوم دیوان عالی کشور به شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۱۰۵۰۶۷۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۶ توجه نمود که در قسمتی از متن آن چنین آمده است: «رابعاً- با عنایت به اینکه وکیل متهم مدعی ابتلاء موکلش به بیماری اعصاب و روان شده و مدارکی در این رابطه هم ارائه کرده، در این مورد بررسی لازم صورت نگرفته است...».

## ۳.۱.۲. مرجع قضایی

1. Social Worker
2. Personality File

۳. ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است.»

گاهی متهم نوجوان که مرتکب جرایم مستوجب حد و قصاص شده، دارای سوابق متعدد کیفری است که نحوه ارتکاب جرایم سابق می‌تواند به‌عنوان معیاری راهنما برای تشخیص رشد و کمال عقل وی یا عدم آن بهره‌وری شود. در این صورت مقام قضایی جهت اتخاذ تصمیم مسئولانه، می‌تواند پرونده‌های سابق را مطالبه کند و کیفیت وقوع جرم و مستندات انعکاس‌یافته در آن را بررسی نماید. اهمیت این موضوع زمانی برجسته است که در پرونده مطروحه، رشد و کمال عقل متهم نوجوان احراز شده، لکن در پرونده سابق این امر مردود گردیده است. این اهمیت دوچندان می‌شود زمانی که متهم دارای سابقه بوده و رشد جزایی وی در آن پرونده رد شده اما بعد از ارتکاب قتل متواری شده و پس از سال‌ها دستگیر و درحالی‌که سن وی بالای ۱۸ سال است، به کمیسیون روان‌پزشکی قانونی معرفی می‌شود. در این فرض، اخذ پرونده کیفری سابق یا حتی پرونده بالینی موجود در پزشکی قانونی، نقش قابل توجه‌ای در ارزیابی پزشکی قانونی دارد؛ زیرا مصاحبه و معاینه مستقیم نمی‌تواند تصویر دقیق و برآیند کاملی از رشد نوجوان در هنگام ارتکاب جرم ارائه دهد.

بی‌توجهی به سابقه کیفری متهم نوجوان (۱۶ساله) که در آن پرونده به شماره ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۰۳۶۳۶۷۵ (ارجاع شده در شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان فارس با موضوع لواط به عنف)، فقدان رشد کیفری آن احراز و بر مبنای آن کیفر تعزیری اعمال گردیده<sup>۱</sup> اما در ۱۷ سالگی مرتکب قتل عمد و متواری شده و علی‌رغم گذشت سن وی از ۱۸ سال، تاکنون دسترسی به او حاصل نگردیده است، موجب صدور حکم غیابی به قصاص نفس به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۳۱۲۹۹۰۰۲۲۰۱۰۸۶۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۰ صادره از شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان فارس (ویژه نوجوانان) گردیده است. این در حالی است که حضوری یا غیابی بودن رسیدگی نمی‌تواند موجبی برای احراز رشد و کمال عقل به‌عنوان معیاری راهنما باشد و حتی در صورت عدم دسترسی به متهم، مقام قضایی باید با نهایت دقت و تلاش نسبت به بررسی رشد و کمال عقلانی متهم به‌ویژه زمانی که متهم دارای اختلالات روانی و پرونده‌های متعدد کیفری بوده، اقدام نماید.

#### ۴.۱.۲. سایر مراجع ذیصلاح

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۱۱۲۳۹۰۰۱۱۲۱۸۵۳۲ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۱.

بررسی همه‌جانبه ابعاد شناختی و روانی متهم نوجوان مستلزم بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها و مستندات مرتبط با این موضوع است. در همین چارچوب حتی بعد از ارتکاب جرم می‌توان وضعیت فردی و شناختی متهم نوجوان را بررسی نمود. کانون اصلاح و تربیت<sup>۱</sup> باید با استفاده از تخصص مددکاران اجتماعی گزارش جرم‌شناسانه‌ای باتوجه به وضعیت سن و حالت خطرناک<sup>۲</sup> آنان تهیه کند (نیازیور، ۱۴۰۱، ص. ۲۰۸) و روان‌شناسان کانون می‌توانند ضمن بررسی دقیق شخصیتی متهم که با او در حال نشست و برخاست روزانه هستند، تصویر کاملی از این مولفه‌ها تحصیل نمایند. در این میان مقام قضایی می‌تواند از پرونده وضعیت<sup>۳</sup> و گزارش‌های یادشده در احراز رشد کیفری متهم استفاده نموده و حتی مددکاران و روان‌شناسان کانون اصلاح و تربیت را دعوت و از آنها در خصوص سلامت و رشد عقلانی نوجوان تحقیق نماید.

نگارندگان با چنین استعلام یا دعوتی در رویه قضایی مواجه نشدند و صرفاً با مکاتبه‌هایی روبرو گردیدند که کمیسیون پزشکی قانونی استان تهران در مقام رسیدگی به اعتراض به نظریه کمیسیون روان‌پزشکی قانونی پنج‌نفره استان‌های دیگر، خواستار اخذ گزارش مددکاران کانون اصلاح و تربیت پیرامون عملکرد رفتاری متهم نوجوان در کانون و ارسال آن به تهران شدند. برای نمونه می‌توان به مکاتبه شماره ۱۴۰۳۴۳۹۹۰۰۳۵۳۵۰۷۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ این کمیسیون توجه نمود که ابراز داشته است: «ضمناً گزارشی از مددکاری زندان در خصوص نحوه عملکرد و رفتار وی در طول مدت زمان محکومیت و گزارش بهداری زندان جهت بررسی به این مرکز ارسال گردد». همان‌گونه که سخن به میان آمد، تبصره ماده ۹۱ با عبارت «از هر طریق دیگر» مقام قضایی را موظف به بررسی رشد کیفری و احراز آن کرده است نه پزشکی قانونی؛ و این استدلال که بررسی تمامی زوایای رشد و عقل متهم نوجوان از تکالیف سازمان پزشکی قانونی است نمی‌تواند غفلت آشکار قضات از نص یادشده را پوشش دهد.

1. Correction and Rehabilitation Center

2. Dangerousness

۳. بند «خ» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰: «پرونده وضعیت، پرونده‌ای است متشکل از مجموعه اطلاعات مربوط به متهم بازداشتی، زندانی یا مددجو که مشتمل بر بخش‌های اجرای احکام، شخصیت، سلامت و مددکاری اجتماعی می‌باشد».

همان‌طور که ارزیابی رشد کیفری متهم نوجوان در حین و بعد از ارتکاب جرم اهمیت دارد، بررسی سوابق گذشته او نیز تأثیر بسزایی در احراز رشد و کمال عقلش دارد. بدین منظور، می‌توان به سوابق موجود از متهم نزد هم‌سالان، مربیان آموزشی و تربیتی او دست یافت و در صورت نیاز، پرونده‌های موجود را مطالبه و توسط مقام قضایی رأساً بررسی یا برای کمیسیون پزشکی قانونی ارسال گردد.

## ۲.۲. آزمون

اجرای صحیح دادرسی اطفال و نوجوانان، به دلیل اهمیت والای خود، ایجاب می‌کند که الگوها و روش‌های خاصی برای آن در نظر گرفته شود تا از این طریق بتوان دادرسی ویژه و قانونی را انتظار داشت. از مهم‌ترین الگوهای حاکم بر دادرسی در رسیدگی به جرایم مستوجب حد و قصاص نوجوانان، سنجش و اختبار<sup>۱</sup> او در جلسه رسیدگی دادگاه است. این معیار از دیرباز مورد توجه فقها به‌ویژه در امور مالی نوجوان باهدف احراز رشد او بوده است (جزیری، ۱۴۲۴ق، ص. ۳۱۵). اگرچه احراز رشد لزوماً منوط به اختبار نبوده، چرا که اختبار جنبه طریقت دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق/۲۶، ص. ۴۹) ولی ارزیابی شناختی و روانی نوجوان، نقش اساسی در احراز رشد کیفری او از سوی دادگاه دارد و هرگونه خلل - حتی جزئی - به این ضابطه، پیامدهای منفی صدور حکم به قصاص و حد را در پی دارد. در این راستا از شاخص‌های مهم اختبار و سنجش نوجوان، حضور فیزیکی وی در جلسه رسیدگی و ارزیابی حالات شناختی او است و برگزاری جلسه از طریق ویدئوکنفرانس از سوی دادگاه و صدور حکم به قصاص متهم نوجوان با اشکال همراه است. بنابراین، دادنامه شماره ۱۴۰۰۱۲۳۹۰۰۰۲۴۸۲۷۹۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۷ شعبه سوم دادگاه کیفری یک اصفهان که ضمن برگزاری جلسه به طریق ویدئوکنفرانس و تشخیص رشد کیفری، اقدام به صدور حکم قصاص نموده است، ناصواب بوده و با ایراد شعبه سی و نهم دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۳۹۰۰۰۵۲۹۳۰۲ روبرو گردیده است. در دادنامه اخیر آمده است: «هرچند استفاده از فناوری جدید در دادرسی موجب تسریع و سهولت در کار می‌شود، لکن برای امری به این درجه از اهمیت که پای جان انسان در میان است، بررسی به این صورت فاقد اقتناع وجدانی است». این امر به‌طریق‌اولی در خصوص کمیسیون پزشکی قانونی نیز صدق می‌نماید. شعب متعدد دیوان عالی کشور، تشکیل جلسه کمیسیون‌های پزشکی قانونی با کانون اصلاح و تربیت از طریق ویدئوکنفرانس به‌منظور

احراز رشد کیفری نوجوان متهم به جرم حدی و قصاصی را مخدوش دانسته و با رویه‌سازی، آنها را ملزم به اعزام حضوری نوجوان به کمیسیون -حتی تهران- در موارد رسیدگی به اعتراض، کرده است.<sup>۱</sup> به این ترتیب، برای احراز رشد و کمال عقل نوجوانان در دادرسی‌های کیفری، حضور فیزیکی ایشان ضروری است و استفاده از روش‌های مجازی به‌ویژه در جرایم مستوجب قصاص و حدود، ناکافی به نظر می‌رسد. دادگاه باید با تعیین وقت رسیدگی و دعوت از نوجوان و وکیل او و سایر اشخاصی که به موجب مواد ۳۱۵، ۴۱۰ و ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری همچون مشاوران دادگاه، خبرگان یا متخصصان مربوط یا روان‌پزشکان قانونی، اظهارات آنها در جلسه اثرگذار در تصمیم‌گیری صحیح پیرامون رشد جزایی نوجوان است،<sup>۲</sup> به موضوع رشد و کمال عقل بپردازد. این سنجش برای ارزیابی گفته‌های متهم نوجوان و احراز رشد او به‌ویژه زمانی که با سبق تصمیم و طراحی رفتار مجرمانه اقدام به قتل عمدی نموده است یا سوابق متعدد بر جرم حدی داشته و آگاه به قبح آن علی‌رغم انذارهای متعدد بوده است، نافع می‌باشد.

### ۳.۲. پرونده شخصیت

تصمیم‌گیران سیاست جنایی ایران، تشکیل پرونده شخصیت را برای شناخت شخصیت نوجوانان و حالت خطرناک آنها الزام‌آور پنداشته‌اند. به موجب ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «علاوه بر موارد مذکور در ماده (۲۰۳) این قانون، در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادر یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است». با توجه به نقش محتویات پرونده شخصیت در شناسایی وضعیت رفتاری و روانی فرد، بازپرس در همان مراحل اولیه تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت مرتکب را صادر می‌کند تا مطابق مقررات و توسط مددکار کارآمد و متخصص، با بهره‌گیری از روش‌های علمی، نسبت به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سوابق پزشکی و روان‌پزشکی، میزان رشد شناختی و روانی، چگونگی رفتار و ارتباطات و مهارت‌های وی اقدام شود. پس از تشکیل این پرونده، فرض بر این است که امکان بهره‌مندی از پرونده شخصیت

۱. این موضوع در خصوص جنون و اختلال روانی متهمان بالای ۱۸ سال قتل عمدی صدق نمی‌کند. نمونه آن مکاتبه شماره ۱۴۰۳۴۳۹۹۰۰۰۳۶۵۸۸۴۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ کمیسیون پزشکی قانونی استان تهران که دلالت بر عدم لزوم اعزام متهمان به تهران و حضور آنها در پزشکی قانونی استان جهت برقراری جلسه ویدئو کنفرانس است.

۲. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، نک: (راسته، مؤذن‌زادگان، و گلدوست جویباری، ۱۴۰۲، صص. ۲۹۵-۳۱۰).

در تمامی تصمیم‌ها، اجزاء و مقاطع مختلف تحقیقات و رسیدگی که آغاز آن با فرآیند احضار و جلب، میانه آن با تفهیم اتهام، تحقیق از متهم، صدور قرار تأمین کیفری و قرار نهایی و پایان آن با صدور حکم است، وجود دارد (قائدی، ۱۴۰۲، ص. ۳۷۳).

یکی از جلوه‌های اساسی کاربست پرونده شخصیت که به تصریح بند «چ» ماده ۱۴ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت مصوب ۱۳۹۸، در مراحل مختلف تحقیق، دادرسی و اجرا با استناد به آن اتخاذ تصمیم می‌نمایند، «اعمال ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در جرایم موجب حد یا قصاص ارتكابی توسط افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال» است. به‌رغم نص یادشده، مقام‌های قضایی، با محدودسازی در پی استفاده حداقلی از پرونده شخصیت می‌باشند (قائدی، ۱۴۰۲، ص. ۳۳۴) و نگارندگان به جزء دادنامه شماره ۱۴۰۳۱۲۳۹۰۰۱۰۶۶۹۸۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۱ شعبه اول دادگاه کیفری یک استان فارس که تنها به عبارت «محتوای پرونده شخصیت متهم» اکتفاء نموده است، با کاربرد دیگری در آراء روبرو نگردیدند. این دادنامه نیز از جهات مختلف قابل خدشه است، زیرا مقامات قضایی دادگاه در پی توجیه تشخیص خود مبنی بر احراز رشد و کمال عقل نوجوان، ضمن رد نظریه‌های کمیسیون پزشکی قانونی که فقدان رشد جزایی نوجوان را اظهار نموده‌اند، هستند؛ حال آنکه باید به مفاد دقیق پرونده شخصیت اشاره می‌نموده و به‌طور مشخص مقرر می‌کردند که کدام بخش از این پرونده دلالت بر تأیید نظر آنها در تشخیص رشد کیفری مرتکب و رد نظریه کمیسیون مذکور در احراز عدم رشد، داشته است. این بی‌توجهی افزون بر اینکه با ماده ۱۵ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم<sup>۱</sup> منافات دارد، موجب نقض دادنامه یادشده به موجب رأی شماره ۱۴۰۳۰۶۳۹۰۰۰۳۳۸۶۰۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۲ شعبه چهل و هشتم دیوان عالی کشور گردیده است.

تشکیل پرونده شخصیت می‌تواند کمک شایانی به کمیسیون پزشکی قانونی نماید، زیرا به‌موجب ماده ۶ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت ۱۳۹۸: «پرونده شخصیت... به صورت اجمالی به شرح پرسش‌نامه‌های پیوست تشکیل می‌شود». این پرسش‌نامه‌ها -که به صورت تفصیلی و مختصر است-

---

۱. «در پرونده‌های موضوع این دستورالعمل، قاضی صادرکننده رأی موظف است در متن رأی به دلایل و مندرجات پرونده شخصیت استناد و در صورت عدم پذیرش، دلایل آن را ذکر نماید و میزان و نوع مجازات را با عنایت به مقررات ذیل ماده قانون مجازات اسلامی در تطبیق با وضعیت متهم به‌طور مستدل و مستند توجیه کند».

حاوی دو گزارش بوده که یکی توسط مددکار اجتماعی و دیگری توسط روان‌شناس تکمیل می‌شود. در پرونده شخصیت تفصیلی که تنظیم بخش «ب» آن از تکالیف روان‌شناس است، به شاخص‌هایی همچون وضعیت روانی رفتاری (حاوی مشاهده، کاوش و مصاحبه)، تیپ شخصیتی، اختلالات بالینی و در نهایت جمع‌بندی و اظهارنظر روان‌شناس، اشاره نموده است که در بررسی‌های رشد روانی و شناختی نوجوان توسط کمیسیون پزشکی قانونی حائز اهمیت فراوان است. با این حال و علی‌رغم بررسی‌ها، نمونه‌ای از نظریه کمیسیون که در آن به پرونده شخصیت استناد نموده باشند، یافت نگردید که می‌تواند عللی از جمله عدم تخصص کافی روان‌شناس از نگاه متخصصان روان‌پزشکی قانونی و ناقص بودن پرسش‌نامه‌های ابلاغی به پیوست دستورالعمل یادشده، داشته باشد.

عدم بهره‌گیری از پرونده شخصیت توسط پزشکی قانونی می‌تواند از سوی مقامات رسیدگی‌کننده جبران شود و قضات می‌توانند ضمن اخذ پرونده بالینی تشکیل‌شده در پزشکی قانونی و تطبیق با بخش روان‌شناسی و حتی مددکاری اجتماعی پرونده شخصیت، به حقیقت رشد یا عدم رشد کیفری نوجوان دست یابند و در صورت نیاز می‌توانند رأساً و حسب تشخیص خود، موضوع را به کمیسیون‌های بالاتر ارجاع دهند و حتی با برگزاری جلسه رسیدگی با حضور روان‌شناس واحد مددکاری و روان‌پزشکان پزشکی قانونی، به تشخیص صحیح رهنمود یابند.

#### ۴.۲. شهادت شهود

قانون‌گذار در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بستری عملی فراهم کرده تا برای بالغین کمتر از ۱۸ سال که مرتکب جنایت عمدی می‌شوند، حتی از طریق اقامه شهادت، «عدم رشد و کمال عقل» آنها را ثابت نماید. این رویکرد با نظر فقها همسو است و آنان یکی از راههای اثبات رشد را شهادت شهود می‌نامند (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق/۴، ص. ۱۵۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق/۶، ص. ۵۲).

با وجود این، در رویه قضایی کمتر به این گزاره برای اثبات رشد جزایی یا عدم آن توجه شده است؛ درحالی‌که استماع شهادت شهود هم در خصوص وضعیت روانی و شناختی مرتکب نوجوان قبل از ارتکاب جرم اهمیت دارد و هم حین ارتکاب راجع به نوع و کیفیت جنایتی که آن را مشاهده کرده‌اند. شاهدان گاهی مشاهده کرده‌اند که متهم نوجوان پیش از وقوع جرم، قصد و برنامه‌ریزی قبلی برای ارتکاب جنایت داشته است و گاهی نیز آنی و اتفاقی بودن قتل پس از شرب خمر را رؤیت

کرده‌اند و در مواردی حالات روحی متهم نوجوان بعد از ارتکاب قتل را ملاحظه نموده‌اند. تمامی این مشاهدات می‌تواند به‌عنوان مؤلفه‌ای اثرگذار در تشخیص بهتر و مسئولانه‌تر مقام قضایی استفاده شود.<sup>۱</sup> بدین‌سان، پذیرش و استفاده از شهادت شهود می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کارآمد و مکمل در احراز رشد کیفری نوجوانان مورد توجه محاکم قرار گیرد.

## ۵.۲. طراحی رفتار مجرمانه و نحوه ارتکاب آن

سبق تصمیم به ارتکاب رفتار مجرمانه به‌ویژه در قتل، نحوه و کیفیت ارتکاب آن، بعد از نظریه کمیسیون پزشکی قانونی معمول‌ترین معیار برای احراز رشد جزایی است. حتی قضات از مولفه کیفیت ارتکاب جنایت به‌عنوان معیاری برای رد نظریات پزشکی قانونی (که اغلب حکایت از فقدان رشد و کمال عقل نوجوان دارد) و در نتیجه صدور حکم قصاص استفاده می‌نمایند.<sup>۲</sup> نمونه آن، رأی اکثریت در دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۳۹۰۰۰۳۸۷۷۱۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۶ شعبه هفتم دیوان عالی کشور است که در آن، رأی دادگاه نخستین مبنی بر قصاص مرتکب را با این استدلال ابرام کرده است: «باتوجه به اقرار مقرر به واقع متهم و کشف آلت قتاله از متهم و بازبینی فیلم دوربین مداربسته مشرف به محل و صورت جلسه بازسازی صحنه قتل و نظریه‌های کمیسیون‌های پزشکی قانونی مبنی بر عدم رشد و کمال عقلی متهم که مستند علمی دقیقی برای آن ارائه و تشریح نشده و رشد کمال عقلی متهم از نظر دادگاه محرز و مسلم گردیده و نامبرده با وجود اینکه در زمان وقوع جرم ۱۷ ساله بوده، اما ماهیت بزه ارتكابی و حرمت آن را درک می‌نموده و در رشد و کمال عقل وی شک و شبهه‌ای وجود ندارد، رأی صادره بلااشکال بوده و بر استدلال دادگاه خدشه‌ای نیست...».

باتوجه به رویه محاکم در استناد به نحوه ارتکاب جرم، استدلال‌های قضایی دسته‌بندی شده و تحلیل‌هایی در این زمینه، ارائه می‌شود:

۱. بنگرید به: ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۲. به‌عنوان نمونه می‌توان به دادنامه‌های زیر اشاره نمود: دادنامه شماره ۱۴۰۰۱۲۳۹۰۰۰۳۷۵۷۶۵۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۲۴ شعبه اول دادگاه کیفری یک استان فارس؛ دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۳۳۵۲۳۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۴ شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران؛ دادنامه شماره ۹۰۰۰۵۳۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ شعبه اول دیوان عالی کشور؛ رأی اقلیت در دادنامه شماره ۱۴۰۳۱۲۳۹۰۰۰۲۷۱۴۰۶۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان فارس؛ دادنامه شماره ۱۴۰۲۵۰۳۹۰۰۰۱۶۶۰۱۰۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۷ شعبه اول دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه.

نخست- استناد به طریق ارتکاب جرم در صورتی می‌تواند ملاک تشخیص رشد جزایی باشد که با نظریه پزشکی قانونی یا سایر معیارهای پیش‌گفته مطابقت نماید. براین اساس، رأی اکثریت دیوان در دادنامه یادشده و رأی دادگاه کیفری یک نخستین نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا موضوعیت، بروز شبهه است که با نظریات مختلف کمیسیون پزشکی قانونی و اقلیت قضات، حاصل شده است. به همین دلیل در رأی یکی از اعضا به‌عنوان نظر اقلیت آمده است: «فلسفه تقنینی ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، رفع کیفر قصاص از مرتکبان قتل کمتر از ۱۸ سال است و متهم در زمان ارتکاب ۱۷ سال داشته و باتوجه به اینکه دادگاه برخلاف ماده ۹۱، نه در جلسه رسیدگی، تحقیقات و بررسی درستی در مورد احراز کمال عقلی متهم انجام داده و نه در رأی اصداری استدلالی دراین خصوص نموده است، بنابراین ضمن مخالفت با قصاص، عقیده بر شمول مقررات ماده ۹۱ مرقوم در مورد متهم دارم».

دوم- محاکم کیفری یک، از ادله موجود در احراز ارتکاب جنایت و انتساب آن به نوجوان به‌عنوان محملی برای تشخیص رشد جزایی استفاده می‌نمایند، حال آنکه ارفاق مصرّح در ماده ۹۱ برای صدور حکم قصاص یا اجرای حد است نه شبهه در وقوع و انتساب آن؛ که عدم بروز آن، قصاص و حد را توجیه نماید. به عبارت دیگر، موضوعیت در ماده ۹۱، شبهه در رشد جزایی است و در موارد شبهه در اصل ارتکاب یا انتساب، شبهه دارئه جاری است و نباید شبهه در رشد و کمال عقل -که دامن‌های به مراتب گسترده‌تر دارد- را با شبهه موجود برای استناد به قاعده درأ هم‌پوشان دانست (کلانتری، زارعیان و جنتی، ۱۳۹۶، ص. ۵۱).

سوم- طراحی رفتار مجرمانه و نحوه ارتکاب آن و اقدامات بعد از قتل به‌منظور امحاء جسد، می‌تواند تنها به‌عنوان معیاری در احراز رشد کیفری باشد؛ به شرطی که سبق تصمیم به قتل و برنامه‌ریزی برای آن احراز شده و شیوه و کیفیت قتل نیز بر مبنای همان طراحی پیش رود و این مهم نیز به نحو کامل و دسته‌بندی‌شده توسط تمامی قضات دادگاه، استخراج و باهدف رد معیارهای متهافت در دادنامه، عینی و قابل‌کنترل شود. در این صورت حتی اگر کمیسیون پزشکی قانونی نظر بر عدم رشد کیفری داشته باشد، می‌توان قائل به رشد و کمال عقل نوجوان شد؛ زیرا کمیسیون با تعیین معیار سن ۱۸ سال، اصولاً نظر بر عدم احراز رشد و کمال عقل نوجوانان بدون توجه به کیفیت رفتار جنایی دارد. با این توضیح، آشکار می‌گردد که از یک سو، اظهار دقیق مآوقع توسط متهم نمی‌تواند معیاری برای رشد کیفری باشد؛ زیرا این امر به‌عنوان ضابطه‌ای برای فقدان اختلال قوه تمییز و اراده متهم -یا

جنون - است و از سوی دیگر، برنامه‌ریزی بعد از قتلِ اتفاقی برای ازبین بردن جسد، نمی‌تواند شاخصی برای اثبات رشد کیفری باشد.

چهارم - باید میان تشخیص حسن و قبح رفتار با رشد و کمال عقلانی، تفاوت قائل شد. دادگاه‌های کیفری و دیوان عالی کشور در آرای متعدد، شخصی را که آگاه به حرمت رفتار ارتكابی است، دارای رشد جزایی می‌دانند. به عنوان نمونه، رأی اکثریت در دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۷۱۲۰۷۰۰۹۱۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ شعبه اول دادگاه کیفری یک استان فارس که ابراز شده است: «... متهم در جلسه دادگاه اعلام کرده که می‌دانسته قتل چیست و اگر کسی دیگری را بکشد کشته می‌شود و با توجه به شرایط سن و تحصیلات وی و نحوه اقدامات متهم قبل و حین و پس از عمل شنیع لواط و اینکه متهم مطابق واقع اعلام کرده چون گفته به پدرم می‌گویم به قصد کشتن مرحوم را یرت کردم و برخلاف نظریه‌های کمیسیون پزشکی قانونی، به نظر دادگاه متهم از رشد و کمال عقلانی برخوردار بوده و آگاه بودن نسبت به اقدامات خویش و نتیجه آن و حرمت قتل دیگری و مجازات قانونی، دلالت بر این موضوع دارد».<sup>۱</sup> این در حالی است که رشد در امور کیفری به معنای صرف تشخیص حسن و قبح افعال نیست؛ چه آنکه صرف اینکه کسی بداند قتل مذموم است، شایسته تحمل کیفر نخواهد بود. قانون‌گذار با درج شروط «درک حرمت و ماهیت رفتار ارتكابی» در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، آنها را از شرط «رشد جزایی» تفکیک نموده است.

پنجم - تعارض در گفته‌های متهم حتی اگر به نحو عمدی باشد، قابلیت اثبات رشد جزایی را ندارد؛ چراکه رد این تعارض اغلب به منظور اثبات قتل یا انتساب آن کارایی دارد نه احراز رشد و کمال عقل. بدین ترتیب، دسته‌بندی هفت‌گانه موجود در دادنامه شماره ۱۴۰۰۱۲۳۹۰۰۰۲۴۸۲۷۹۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۷ شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان فارس که در پی استخراج و رد یک به یک اظهارات متناقض متهم و اثبات رشد جزایی بر اساس آن است، سزاوار نقض به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۰۰۶۳۶۳۹۰۰۰۰۵۲۹۳۰۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۵ شعبه سی و نهم دیوان عالی کشور بوده است.

## ۶.۲. درک ماهیت و حرمت جرم ارتكابی

۱. رأی اقلیت اعضای شعب برخلاف اکثریت، عدم صدور حکم قصاص است. شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۱۴۰۰۰۶۳۹۰۰۰۰۱۲۶۶۳۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۶، رأی اکثریت را ابرام نموده است.



این معیار همراه با سایر معیارهای دیگر، می‌تواند به‌عنوان ضابطه‌ای در تشخیص رشد جزایی نوجوان باشد. حضور در صحنه ارتکاب جرم به‌قصد تحقیقات محلی یا معاینه محل و تطبیق آن با گفته‌های متهم و شهود حائز اهمیت است. در همین راستا، ماده ۱۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد... بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می‌کند». همچنین تبصره ماده ۱۲۶ این قانون آورده است: «هرگاه حضور متهم یا سایر اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند در هنگام معاینه محل ضروری باشد، مکلفند به دستور بازپرس در محل حاضر شوند». بدیهی است چنانچه دادگاه، تحقیقات بازپرس را ناکافی دانست، می‌تواند رأساً اقدام به معاینه محل و تحقیقات محلی کند. خبر از ثقه که ضمن تحقیقات محلی نیز دریافت می‌گردد، از دیر هنگام برای اثبات رشد مدنظر فقها بوده است (خوانساری، ۱۴۰۵ق/۳، ص. ۳۶۸). زیرا، مفهوم رشد حقیقت شرعی نیست و شارع برای اثبات آن صرف علم را که به هر طریقی به دست آید، برای این امر کافی می‌داند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق/۹، ص. ۲۰۶).

#### نتیجه‌گیری

وضع ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ناشی از توأم بودن دو دغدغه و دو سنخ تعهد انطباق با موازین اسلامی و سازگاری با تعهدات حقوق بشری ازجمله تلاش‌های قانون‌گذار در جهت منطبق نمودن قانون با دیدگاه‌های فقهی و بین‌المللی است. به موجب این ماده، در صورتی که شخص بالغ اما زیر ۱۸ سال تمام، مرتکب یکی از جرایم مستوجب حد یا قصاص گردد در حالی که شبهه‌ای در رشد و کمال عقل او به وجود آید، کیفرهای حد و قصاص اعمال نمی‌شود بلکه با توجه به سن مرتکب، به مجازات‌های مقرر در فصل دهم قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد. این ماده، تحولی جدی و مؤثر در نحوه واکنش کیفری و برخورد مناسب با جرایم مستوجب حد و قصاص نوجوانان بالغ زیر ۱۸ سال به وجود آورده است. با این حال، به لحاظ اینکه معیارهای عینی و مشخصی برای احراز رشد کیفری نوجوانان تعیین نشده است، موجب برداشت‌های متنوع و چالش‌برانگیز در رویه قضایی گردیده و تفسیرهای ذهنی و سلیقه‌ای، انسجام و کارآمدی سیاست جنایی را برهم زده است.

پر واضح است که تبصره ماده ۹۱ قانون یادشده مبنی بر اینکه: «دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعمال یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند»،

نمی‌تواند ملاک روشنی جهت تشخیص رشد جزایی نوجوانان ارائه نماید و تدوین دستورالعمل «چگونگی تشخیص رشد و کمال عقل افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی» در سال ۱۴۰۲ با پیش‌بینی تنها یک معیار یعنی «کمیسیون پزشکی قانونی» به تنوع رویه‌ها دامن زده و اجرای آن را پیش‌بینی ناپذیر، غیرقابل کنترل و تابع بخت و اقبال کرده و موجب گردیده است که قضات به‌ویژه در دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان، محدود به نظریه این مراکز شده و بدون استناد به رهنمودهای دیگر بر مبنای آن حکم مقتضی صادر کنند و یا اینکه با رد اظهارنظر کمیسیون پزشکی قانونی و در تعارضی آشکار با آن، اقدام به صدور حکم بدون توسل یا با توسل ناصحیح به معیار دیگر نمایند.

مسلم است که خوانش متون پیشین در اندیشه حقوقی ایران، منابع فقهی و اسناد حقوق بشری جهت تبیین موضوع، نمی‌تواند آسیب‌ها را مرتفع و برآیند مؤثری از چگونگی تشخیص ارائه نماید. آنچه این پژوهش را از متون مشابه متمایز ساخته و به موضوعی بدیع تبدیل کرده است، استخراج ملاک‌های عینی چگونگی تشخیص رشد و کمال عقل نوجوانان است تا از رهگذر شناخت گزاره‌های علمی و فراگیر، دریچه‌ای جدید فراروی مقام‌های قضایی گشوده شود. بر همین اساس، ضمن تحقیقات میدانی، کاوش در اسناد و مدارک مرتبط با پرونده‌های قضایی و نمونه اظهارنظرهای پزشکی قانونی، این یافته حاصل شد که به‌منظور ایجاد رویه منسجم و یکپارچه قضایی باید از همه ظرفیت‌ها برای تشخیص رشد جزایی متهمان نوجوان استفاده نمود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که معیارهایی همچون استعلام از مراجع ذی‌ربط که حاوی مکاتبه با پزشکی قانونی، مراکز درمانی و بالینی، مراجع قضایی و سایر مراجع ذی‌صلاح است، آزمودن و اختبار شناختی و روانی متهم در جلسه رسیدگی، محتویات پرونده شخصیت که با موشکافی روان‌شناس و مددکار اجتماعی تنظیم گردیده است، شهادت شهود که اقدامات قبل، حین و بعد از ارتکاب قتل توسط متهم را رؤیت کرده‌اند، طراحی رفتار مجرمانه و کیفیت ارتکاب آن که نقش بسزایی در ارزیابی قوای شناختی متهم دارد، درک ماهیت و حرمت جرم ارتكابی که قابلیت و توان روانی متهم را نشان می‌دهد و معاینه محل و تحقیقات محلی، جملگی رهنمودهایی است که کاربست حداکثری آنها می‌تواند به تنوع سلیقه‌ها و پیش‌بینی ناپذیری آن پایان داده و سیاست جنایی متناسب و واحد را تثبیت نماید. نتیجه کاربست دقیق و همه‌جانبه تمامی گزاره‌های عینی یاد شده، عدم صدور حکم و در نتیجه اجرای حد و قصاص نسبت به متهمان نوجوان به جهت فقدان رشد و کمال عقل آنان است.

## منابع

- ۱) آبروشن، هوشنگ؛ سایبانی، علیرضا؛ غلامی، حسین؛ و رضوی فرد، بهزاد (۱۴۰۰). چالش‌های حقوقی ناظر بر رشد نوجوانان در قانون مجازات اسلامی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۴(۹۳)، ۳۰۳-۳۲۴.
- ۲) آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۶). جرایم علیه اشخاص؛ جنایت (جلد ۱). چاپ شانزدهم، تهران: میزان.
- ۳) احسانی، امیرحسین؛ صالحی، محمدخلیل؛ و قادی پاشا، مسعود (۱۳۹۹)، تفاسیر دوگانه در شرط رشد و کمال عقل در حقوق کیفری. فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۷(۶۷)، ۲۱۱-۲۴۰.
- ۴) باقری، مصطفی؛ عالی‌پور، حسن؛ و فضلی، مهدی (۱۴۰۲). چالش‌های ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در رویه قضایی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۶(۱۰۴)، ۲۹۲-۳۱۰.
- ۵) بیاتی، محمدحسین (۱۳۹۴). رابطه رشد و مسئولیت کیفری در فقه امامیه و حقوق ایران. چاپ اول، تهران: میزان.
- ۶) پتفت، آرین (۱۴۰۱). رشد و کمال عقل کودک در پرتو حقوق کیفری عصب‌شناسی؛ با نگاهی بر رویه قضایی آمریکا. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۰(۳۹)، ۱۰۱-۱۳۵.
- ۷) پتفت، آرین؛ و عباسی، محمود (۱۳۹۹). کلیات حقوق عصب‌شناسی. تهران، انتشارات حقوقی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- ۸) پوراسماعیلی، علیرضا، و عابدی، محمد (۱۳۹۸). بررسی سن رشد در امور غیرمالی، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۶(۵۸)، ۶۸-۸۹.
- ۹) جزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۴ق). الفقه علی المذاهب الأربعة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۱۰) حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۴۰۱). جرایم علیه اشخاص (قتل). چاپ سوم، تهران: میزان.
- ۱۱) حیدری، مسعود (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری اطفال در فقه اسلامی، اسناد بین‌المللی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۳(۷)، ۹۱-۱۱۴.
- ۱۲) خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، قم: اسماعیلیان.

- ۱۳) راسته، مرتضی؛ مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ و گلدوست جویباری، رجب (۱۴۰۲). الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسه دادرسی؛ مطالعه تطبیقی در موازین بین‌المللی و نظام کیفری ایران. دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰(۲۶)، ۲۸۹-۳۳۲.
- ۱۴) رهامی، محسن (۱۳۸۱). رشد جزایی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۵۸(۵۰۹)، ۱۶۷-۱۹۸.
- ۱۵) ساداتی، سید محمدمهدی (۱۳۹۵). شرایط اعمال قاعده دراء در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی. فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۸(۱۴)، ۱۱۳-۱۴۶.
- ۱۶) شاکری، ابوالحسن، و سلیمانی، سعید (۱۳۹۸). مسئولیت معنوه در حقوق کیفری ایران با نگاهی به حقوق مصر. فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۳(۵۱)، ۱۳۱-۱۵۴.
- ۱۷) شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۱۸) صبورپور، مهدی، و علوی‌صدر، فاطمه (۱۳۹۴). سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، ۶(۱۱)، ۱۷۱-۱۹۴.
- ۱۹) طهماسبی، جواد؛ پتفت، آرین؛ و زمانی، زینب (۱۴۰۳). رشد کیفری در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی. تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه.
- ۲۰) عطرزاده، فاطمه، و کلاتنری، کیومرث (۱۴۰۲). «امکان‌سنجی رفع خشونت قانونی مرتبط با فرض رشد جزایی و کمال عقلی نسبت به نوجوانان در حقوق ایران». فصلنامه فقه جزای تطبیقی، ۳(۱۱)، ۳۹-۵۳.
- ۲۱) علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- ۲۲) علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۱۴ق). تحریر الأحکام (جلد ۲). قم: آل البيت لإحياء التراث.
- ۲۳) عوده، عبدالقادر (۱۳۷۳)، التشريع الجنائي الاسلامی (جلد ۲) (ناصر قربان‌نیا، سعید رهایی و عباس شیر، مترجم). تهران: میزان.
- ۲۴) فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). كشف اللثام والایهام عن قواعد الأحکام (جلد ۱۰). چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ۲۵) فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۹۵). رشد و کمال عقل در آئینه رویه قضایی. دو فصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری، (۲)۱، ۴۱-۵۵.
- ۲۶) فلاح خاریکی، امین، و حاجی‌تبار، حسن (۱۴۰۲). جایگاه رشد جزایی در مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه و حقوق ایران. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۹ (۷۱)، ۱۴۰-۱۶۵.
- ۲۷) قبادیان، علی، و محمدی، ستار (۱۴۰۳). مصالح عالیه کودک در فقه و حقوق و اسناد بین‌الملل. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه.
- ۲۸) قائدی، سعید (۱۴۰۲). تأثیرپذیری مرحله تحقیقات مقدماتی از پرونده شخصیت. دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۲ (۲۶)، ۳۳۳-۳۷۸.
- ۲۹) کلانتری، کیومرث؛ زارعیان، حسین؛ و جنتی، حسین (۱۳۹۶). نقد و بررسی عنصر شبهه راجع به جرایم اطفال و نوجوانان. فصلنامه قضاوت، ۱۷ (۹۲)، ۵۱-۷۸.
- ۳۰) مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه (۱۳۸۵). گنجینه استفتائات قضایی. قم.
- ۳۱) معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۸۱). مجموعه آرای فقهی قضایی در امور کیفری (جلد ۱). چاپ اول، قم: قضا.
- ۳۲) مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذها. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳۳) موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۸). مجموعه مقالات فقهی - حقوقی و اجتماعی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۳۴) میرسعیدی، منصور (۱۳۹۰)، مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان، جلد اول، تهران، انتشارات میزان.
- ۳۵) نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰). از حق‌های کودکان تا حقوق کودکان؛ دیپاچه در: سعید مدنی و امیر حمزه زینالی، آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران. تهران: میزان.
- ۳۶) نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۴۰۱). «درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا» و «درباره سیاست جنایی افتراقی»؛ دیپاچه ویراست سوم و ویراست چهارم در: لازرژ، کریستن، درآمدی بر سیاست جنایی، (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). چاپ دهم، تهران: میزان.

- ۳۷) نجفی توانا، علی (۱۴۰۰). جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص. چاپ اول، تهران: میزان.
- ۳۸) نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۳۹) نیازپور، امیر حسن (۱۴۰۱). حقوق کیفری کودکان و نوجوانان. چاپ اول، تهران: میزان.
- ۴۰) هادی، مهدی (۱۴۰۳). معیارهای فقهی و حقوقی جنون باتاکیدبر راهنماهای تشخیصی و آماری اختلالات روانی. چاپ اول، تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- ۴۱) هاشمی، نگین؛ توحیدی، احمدرضا؛ و لطفی، مریم (۱۳۹۶). رشد جزائی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب حد و قصاص در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۰(۳۸)، ۲۱۱-۲۳۵.
- 42) Beschle, D. L. (2006). Cognitive Dissonance Revisited: Roper v. Simmons and the Issue of Adolescent Decision-Making Competence. *The Wayne Law Review*, 52(1), 1-42.
- 43) Blakemore, S. J. (2012). Imaging brain development: the adolescent brain. *Neuroimage*, 61(2), 397-406.
- 44) Case of Roper v. Simmons, 543 U.S. 551 (2005).
- 45) Case of Stanford v. Kentucky, 492 U.S. 361 (1989).
- 46) Casey B.J., Jones R.M., Levita, L., Libby, V., Pattwell, S. S. et al. (2010). The storm and stress of adolescence: insights from human imaging and mouse genetics. *Dev Psychobiol*, 52(3), 225-235.
- 47) Chein J, Albert D, O'Brien L, Uckert K, Steinberg L. (2011). Peers increase adolescent risk taking by enhancing activity in the brain's reward circuitry. *Dev Sci*, 14(2), 1-10.
- 48) Geier, Ch., Beatriz L. (2009). The maturation of incentive processing and cognitive control. *Pharmacol Biochem Behav*, 93(3), 212-221.
- 49) Goswami, U. (2019). *Cognitive Development and Cognitive Neuroscience: The Learning Brain*. 2nd Edition, London: Routledge.
- 50) Luna, B., Padmanabhan, A., O'Hearn, K. (2010). What has fMRI told us about the development of cognitive control through adolescence?. *Brain Cogn*, 72(1), 101-113.
- 51) Regoli, R. M., Hewitt J. D., Maras, M-H., (2012). *Exploring Criminal Justice: The Essentials*. Berlin: Jones & Bartlett Learning.
- 52) Spear, L. P. (2013). Adolescent Brain Neuro Development. *Journal of Adolescent Health*, 52(2), 7-13.